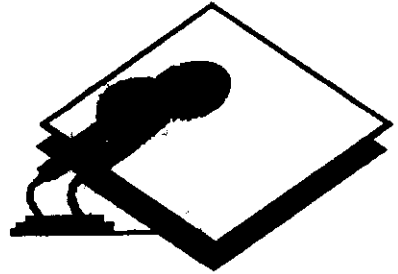


گفتگو



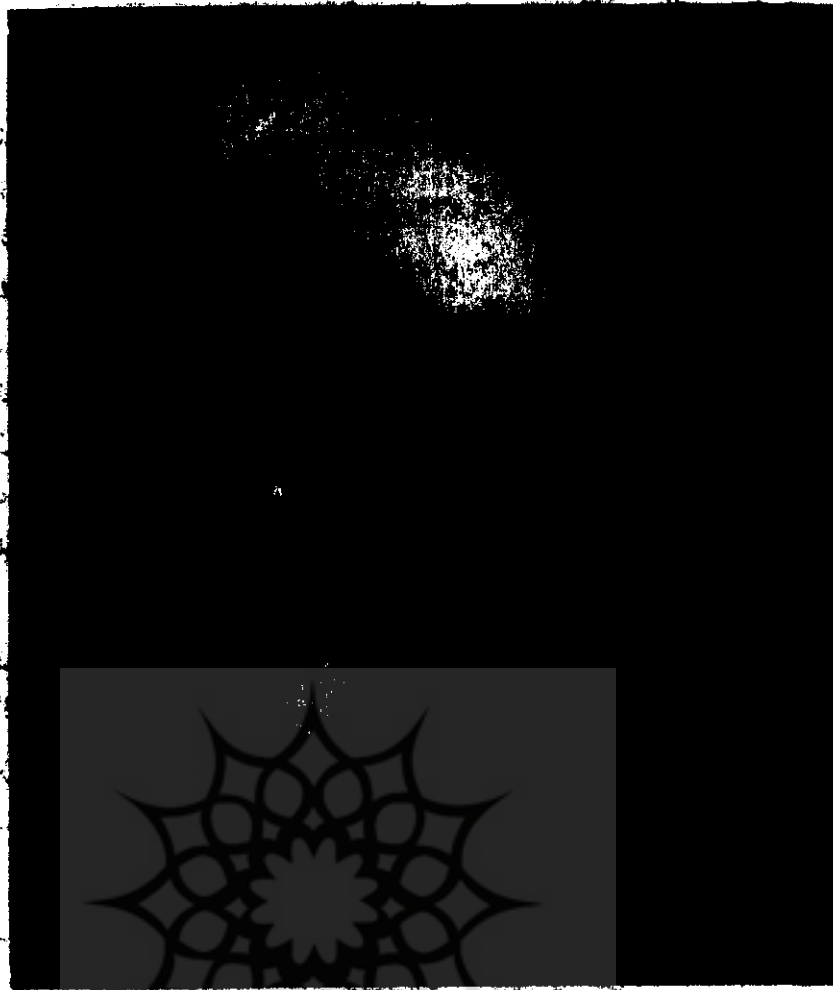
گفت و گوی معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌ها با حجت‌الاسلام
والمسلمین ناطق نوری ریاست مجلس شورای اسلامی

■ مجلس پنجم؛ چالش‌های امروز، چشم‌انداز فردا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

آقای ناطق نوری، چهره‌آشنای انقلاب است. آنها که در سالهای مبارزه، دستی حتی از دور بر آتش داشتند، با این نام آشنا بودند. او پس از انقلاب نیز همواره «مسئولیت‌های سنگینی» عهده‌دار بوده است. اما در مورد ناطق نوری داستان به همین جا ختم نمی‌شود. او در کنار تمامی آن مسئولیت‌های سنگین، همواره عمودی ثقیل از خیام «حضور روحانیت در انقلاب» را نیز بر دوش می‌کشیده است. ناطق نوری، همواره در مباحث اساسی انقلاب و چالش‌های آینده، با صداقت آمیخته به صراحت سخن گفته؛ و این یکی از ویژگی‌های ممتاز او در مواجهه با مردم دانسته می‌شود. آقای ناطق نوری را در دفتر کار کوچک و ساده‌شان در مجلس دیدار می‌کنیم. برای این گفتگو وقت کافی کنار گذاشته‌اند و ما از این بابت خوشحالی‌مان را پنهان نمی‌کنیم. اما ترجیح می‌دهیم از فرصت به دست آمده به خوبی استفاده کنیم. بنابراین می‌کوشیم به کانونی‌ترین مسایل پرداخته و از حاشیه پرهیز نماییم. آنچه در پی می‌آید ره‌آورد آن گفتگو است.



* توسعه‌ای که حالا مطرح است، یک گام از برخورداری عنان گسیخته از طبیعت فاصله گرفته و به مفهومی جدید نزدیک شده است که قبلاً با آن همراه نبود. در مفهوم جدید توسعه، صرف برخورداری انسان از طبیعت دیگر هدف نیست، بلکه انسان مجبور است پایش را قدری هم جمع کند.

مهندس ملایری: جناب آقای ناطق‌نوری! مجلس چهارم، روزهای پایانی‌اش را پشت سر می‌گذارد. مقام معظم رهبری از مجلس چهارم به نیکی یاد کرده‌اند و به یقین افتخار بزرگی بود که این مجلس به توفیق آن دست یافت. اگرچه بحث پیرامون کارکردهای مجلس چهارم کشتشهای خاص خود را دارد، اما اجازه می‌خواهیم در اینجا بیشتر به آینده متمرکز شویم. البته جنابعالی در خطابه‌ها و مصاحبه‌ها تان اغلب به تشریح دیدگاه‌هایتان پرداخته‌اید؛ با اینحال ما در اینجا اجازه می‌خواهیم

که قدری شما را در موضوعاتی خاص محصور کنیم! در واقع روی نقاط چالشی حال و آینده انقلاب بیشتر متمرکز می‌شویم. بنابراین با این مقدمه کوتاه و بدون تطویل بیشتر، سؤالاتمان را شروع می‌کنیم. جناب آقای ناطق‌نوری! اجازه بدهید نخستین سؤالمان را بیشتر متوجه جنبه‌های پایه‌ای‌تر بسازیم. جنابعالی تلقی‌تان از توسعه چیست؟

آقای ناطق‌نوری: بسم‌الله الرحمن الرحیم. ابتدا لازم می‌دانم از جنابعالی و سایر دست‌اندرکاران مرکز پژوهشها و نشریه خوب مجلس و پژوهش‌قدردانی کنم و خسته‌نباشید بگویم.

در باب توسعه، عنایت دارید که مکاتب متعدد و دیدگاههای متفاوتی وجود دارد و قاعدتاً در این مجال کوتاه، پرداختن به تمامی آن جنبه‌ها و جدا کردن سره و ناسره آنها، در حوصله نمی‌گنجد. من در اینجا می‌کوشم با بیانی ساده‌تر، تصویری از مفهوم توسعه، آن‌گونه که در دیدگاه بنده هست ارائه دهم. عرض می‌شود که به نظر بنده توسعه، در واقع رشد هماهنگ و مطلوب بخشهای مختلف جامعه و آحاد جامعه با هدف فراهم کردن زمینه و امکانات تعالی برای فرد فرد آدم‌هاست. این رشد حتماً باید متکی بر نظام ارزشی مکتب الهی ما باشد. من این دیدگاه را که توسعه با نظام ارزشی دینی سازگاری ندارد قبول ندارم و آن را

نوعی تحجر می‌دانم.

در جامعه انقلابی ما، اسلام به عنوان یک موتور محرکه خوب و قوی، نیازهای فکری و معنوی یک توسعه عمیق و فراگیر را فراهم می‌کند و اصلاً آنها که به دلیل وابستگی‌های فکری یا گرایشهای لیبرالی، در جستجوی ناسازگارهای توسعه و دین هستند، در واقع یا نادانند یا خیانت می‌کنند. در واقع اینان نه شناخت صحیحی از دین دارند و نه از مفهوم توسعه. توسعه از دیدگاه اسلامی، به تعالی آحاد انسانها می‌انجامد. هر کوششی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در نهایت باید منجر به رشد و تعالی انسان - این برترین مخلوق خداوند - بشود.

بنابراین ما توسعه را وسیله می‌دانیم. از دیدگاه ما - رفاه - تا آنجا که به رشد و تعالی انسان کمک می‌کند پسندیده است. ما معتقد هستیم که توسعه اگر مواهبی به همراه دارد و باصطلاح عایداتی به همراه دارد، باید در جهت رشد و تعالی انسانها به کار گرفته بشود. انسانها باید هر چه بیشتر در ابعاد معنوی رشد کنند. رشد شاخصهای معنوی، اصلی‌ترین هدف توسعه است...

مهندس ملایری: ببخشید. اینجا چند تا نکته مطرح شد که اجازه می‌خواهم تا رد نشده‌ایم، قدری بیشتر تشریح بفرمایید. یکی اینکه شما ناسازگارهای دین و توسعه را مطلقاً نفی کردید. گروهی فکر می‌کنند که این دو اگر برخی جاها

همسو باشند، در خیلی جاها، همسو نیستند.

آقای ناطق نوری: همانطور که عرض کردم از نظر ما توسعه مطلقاً باید متضمن رعایت ارزشهای متعالی اسلام باشد.

شما ملاحظه بفرمایید یک زمانی، بشر اصلاً چیزی را به نام «محیطزیست» قبول نداشت. توسعه، مفهومی خشک و به معنای تضاد انسان با طبیعت بود. هر چه انسان از این طبیعت بیشتر می خراشید و حاصل آن را به کار می برد، بیشتر به توسعه یافتگی نزدیک می شد. از چند دهه قبل به این طرف نحوه نگاه کردن به توسعه از این نظر عوض شد. یعنی توسعه در مفهوم جدید آن - که البته از غرب آمده - با مفهوم حفاظت از محیطزیست عجین شد. خوب به نظر شما تغییر کوچکی اتفاق افتاد؟ خیر! اصلاً بشر دیدگاهش به طور کلی نسبت به توسعه عوض شد. توسعه‌ای که حالا مطرح است، یک گام از برخورداری عنان گسیخته از طبیعت فاصله گرفته و به مفهومی جدید نزدیک شده است که قبلاً با آن همراه نبود. در مفهوم جدید توسعه، صرف برخورداری انسان از طبیعت دیگر هدف نیست، بلکه انسان مجبور است پایش را قدری هم جمع کند.

ما در قرآن آیاتی داریم که صریحاً هدفهای بهره‌جویانه متکی بر «هلاکت حرث و نسل» را محکوم می‌کند. این یک تحول اولیه در مفهوم توسعه بود که البته در غرب اتفاق افتاد. در ادامه در این یک دهه اخیر ما شاهد طرح مباحث جدیدی راجع به

توسعه در غرب هستیم که بیشتر بار معنوی با خود دارد. من شنیده‌ام که حرف از توسعه معنوی در میان آمده است. قطعاً این معنویت با آن معنویتی که ما از آن مراد می‌کنیم خیلی فاصله دارد، اما یک چیز مشخص می‌شود و آن اینکه مفهوم توسعه دارد در دنیا هر چه بیشتر به نگرشهای دینی نزدیکتر می‌شود.

حالا در دنیا دارند روی این حرفها بحث می‌کنند که مثلاً در جامعه باید هدفها بیشتر بر رشد روح و آرامش روان و امثال ذالک باشد. کم کم از فکر تأمین نیازهای مادی انسانها به صورت یک طرفه فاصله می‌گیرند.

شما در قانون اساسی که دستاورد خون شهیدان ماست، تعاریفی را به عنوان هدف برای جامعه اسلامی مشخص کرده‌اید که توسعه معنوی را نوید داده، آن هم خیلی جلوتر از آنکه هنوز اولین تحولات در مفهوم توسعه در دنیا مطرح شده باشد. با این مثالها غرض آن بود که برایتان روشن کنم که این دیدگاه که مدام از تضاد و تناقض بین دین و توسعه حرف می‌زند بیشتر خواستگاه فکری لیبرالی دارد، که در عین حال واقعاً متحجرانه است. ما به داشتن الگوی متفاوت و پیشرفته‌ای از توسعه در جهان امروز افتخار می‌کنیم و من از مرکز پژوهشها می‌خواهم که این را در سلسله مقالاتی در داخل و حتی در سطح بین‌المللی تشریح و تبیین کند. این نکته کوچکی نیست. جزو برکات اسلام و انقلاب دانسته می‌شود ...

در جهان پر تکاپوی امروز برای دست یافتن به توسعه است.

اما اینکه چرا در نقطه‌ای که امروز هستیم، قرار داریم، باید بگوییم که بخش عمده آن به همین نگرشهای مختلط و مغلوب نسبت به کارکرد دین در جامعه باز می‌گردد. ما اگر همتمان را هر چه بیشتر بر انطباق دین بر جوارح نظام معطوف کنیم، به همان نسبت به اهداف توسعه واقعی نزدیکتر شده‌ایم.

مهندس ملایری: مثلاً چکار باید بکنیم؟

آقای ناطق نوری: شما باید الگوی توسعه خودتان را داشته باشید. باید الگوی توسعه‌تان منطبق بر واقعیات جامعه خودتان باشد، اصلاً اجازه بدهید اینطور بگوییم که مشکل ما در همه حال به وارداتی بودنمان بر می‌گردد. هم در صنعت، هم در تجارت، هم در فلسفه و فکر، و هم بحث‌های سیاسی و اجتماعی. مثالی عرض کنم. ما در جریان یک تاریخ یکهزار و چهارصد ساله، به یک نظام مذهبی رسیده‌ایم که ابتداء دارد بر باورهای دینی و سنتهایمان که اینها در نظریه‌پردازیهای جهان امروز در مورد توسعه دست‌کم گرفته نمی‌شود. هیچ متفکر توسعه شناسی با مزایای جامعه خود برخورد با اصطلاح «کفرانی» نمی‌کند. اینها مزایای ماست، حالا، «نگرش واردات‌گرا» می‌گوید: ولایت فقیه نه! دموکراسی لیبرال! بلی. ما که نباید دست از این اصول برداریم. چون اینها مزایای توسعه ماست. ما فرمان

مهندس ملایری: حتماً این کار را خواهیم کرد. تا اینجا اجازه بدهید قبول کنیم که توسعه مورد نظر نظام، به اصطلاح امروزی‌ها مترقی و مضافاً در مبانی، با دین هماهنگ است. حتی به تعبیر جنابعالی، موتور محرکه دین در جامعه، می‌تواند به خوبی اهداف یک توسعه واقعی و معنوی را بهتر جامه عمل پیوشد. اما سؤال این است که اگر واقعاً این استدلال صحیح باشد، پس چرا در عمل در فرایند توسعه، آنقدر با مشکل مواجهیم؟

آقای ناطق نوری: مسایل را باید از هم جدا کرد. این برخورد فنی نیست. یکبار هست که شما از تضادها و تناقضهای مبانی اندیشه دینی با توسعه سخن می‌گویید؛ ما می‌گوییم تحقق یک توسعه واقعی و معنوی، همان هدف پیامبران بوده است.

من مجال نکردم ویژگی‌های توسعه را خوب توضیح بدهم که البته به آن خواهیم پرداخت؛ اما اینجا این را عرض می‌کنم که دین با راهکارها و قابلیت‌های عظیم خود که دارد، بسیار خوب و آسانتر انسانها را به توسعه معنوی می‌رساند.

آنها که با مدلهای توسعه غربی خو کرده و حتی قدری هم از تحولات در همان غرب دورند و اندیشه‌شان در نوع لیبرال متبلور است، می‌گویند: دین را کنار بگذارید، توسعه آسانتر به دست می‌آید. این یک نادانی تاریخی است. این ثروت عظیم، چیز کمی نیست و شاید بتوان گفت تنها مزیت ما

* در جامعه انقلابی ما، اسلام به عنوان یک موتور محرکه خوب و قوی، نیازهای فکری و معنوی یک توسعه عمیق و فراگیر را فراهم می‌کند و اصلاً آنها که به دلیل وابستگی‌های فکری یا گرایش‌های لیبرالی، در جستجوی ناسازگاریهای توسعه و دین هستند، در واقع یا نادانند یا خیانت می‌کنند.

* برخی معتقدند که حالا صبر کنید، توسعه دستاوردها و مواهبش را که داد، آن را در جهت تحقق نظام ارزشی مان به کار می‌بریم. این دو نگرش کاملاً متفاوت است. تفاوت دیدگاهی ما با برخی که تعبیر لیبرال در موردشان به کار می‌بریم دقیقاً همین جاست. ما معتقد هستیم که در جریان توسعه، همان نظام ارزشی حکم می‌کند، همه از مواهب توسعه به نسبت کوشش‌هایشان برخوردار شوند.

با افغانستان در چیست؟ تاریخمان که خیلی به هم نزدیک است، سرزمینمان هم که به هم چسبیده. چه چیزی از ما یک استحکام در دنیای امروز ساخته؟ این مزیت ولایت فقیه، سرمایه این مملکت نیست؟ آیا با اصطلاح تنوریسینهای توسعه در جهان امروز با مزیتها این طور برخورد می‌کنند؟ دارم به زبان همان‌هایی حرف می‌زنم که ظاهراً خیلی پایبند توسعه و سازندگی هستند. پس ملاحظه می‌کنید که بخش عمده‌ای از مشکلات امروز ما برمی‌گردد به جنبه‌های نگرشی. ما هنوز افرادی را داریم که هیچکدام از این مزایا را مزیت نمی‌دانند. آنها حرفهای همان تقی‌زاده را می‌زنند منتها قدری با شرم و حیای بیشتر!...

مهندس ملایری: یعنی جنابعالی معتقدید که هر چه مشکل داریم نگرشی است مثلاً همین تورم...

آقای ناطق‌نوری: به تورم خواهیم پرداخت. اول اجازه بدهید در مورد توسعه یکی دو نکته باقی مانده، آنها را عرض کنم. نکته اول آنکه نمی‌توانیم بدون رعایت نظام ارزشی مان، راه توسعه را طی کنیم. اصلاً این نوع توسعه را قبول نداریم. برخی معتقدند که حالا صبر کنید، توسعه دستاوردها و مواهبش را که داد، آن را در جهت تحقق نظام ارزشی مان به کار می‌بریم. این دو نگرش کاملاً متفاوت است. تفاوت دیدگاهی ما با برخی که تعبیر لیبرال در موردشان به کار می‌بریم دقیقاً همین جاست. ما معتقد هستیم که در جریان توسعه، همان نظام ارزشی حکم می‌کند، همه از مواهب توسعه

می‌گردد. برخی می‌گویند که عوارضی نظیر تورم سنگین را نتیجه طبیعی آن توفیقات بدانند. این استدلال صحیح نیست. بنده یک قدری هم راجع به آن ضعفها توضیح بدهم. شما ملاحظه بفرمایید که ما در برنامه اول دو تا کار انجام دادیم که امروز نتایج آن کارها را داریم حمل می‌کنیم. مطمئن باشید که فردا نتایج کارهای امروزمان را حمل خواهیم کرد. آن دو کار چه بود؟ یکی آن بود که تنها تعدیل را متوجه قیمت‌ها کردیم و دوم آنکه یکباره هزینه‌های ارزی‌مان شدت گرفت و مواجه با تعهدات خارجی شدیم. آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸ ما حدود ۱۵ میلیارد گشایش داشتیم در حالی که دریافتی‌های ارزی کشور حدود ۱۲ میلیارد دلار بود. در سال ۷۰ حدود ۳۴ میلیارد دلار گشایش داشتیم و در سال ۷۱ حدود ۲۱ میلیارد دلار. پس مشاهده می‌کنیم که حدود ۳۳ میلیارد دلار افزایش در تعهدات خارجی پیدا کردیم. خوب از سال ۷۲ بازپرداخت تعهدات ضرورت پیدا کرد. درآمد نفت نمی‌توانست پاسخگوی این نیازها باشد، بخشهایی مثل صنعت که حدود سی - چهل میلیارد دلار هزینه کردند، گفته بودند که این مقدار ارز اگر به ما بدهید، دیگر ارز نخواهیم خواست و برای مملکت نه تنها اصلاً تحمیل ارزی نمی‌کنیم، بلکه ارز هم خواهیم آورد. که این کار را نکردند! این یک قلم از آن هزینه‌های ارزی بود. از طرف دیگر دستورالعمل داده

به نسبت کوشش‌هاشان برخوردار شوند. آنها می‌گویند بگذارید سرمایه‌های بزرگ تشکیل شود، آنها جور توسعه اقتصادی را می‌کشند. ما می‌گوییم مردم با هر مقدار توان مشارکت، باید در روند توسعه شرکت کنند، جلوی قطبی شدن جامعه را باید بگیریم و نگذاریم فاصله طبقاتی زیاد بشود، و نهایتاً باید نسبت به عدالت اجتماعی در جریان توسعه حساس باشیم.

مهندس ملایری: پس با اجازه‌تان
وارد بحث تورم می‌شویم...

آقای ناطق نوری: بلی. اجازه بدهید پس با تفصیل بحث کنیم. چون قصد داریم یک بحث فنی داشته باشیم. نخستین سخنی که باید اینجا مطرح کنیم آن است که به هر حال ما در برنامه اول دستاوردهای درخشانی داشتیم و فی الواقع این دستاوردها نتیجه طبیعی آن بخش از سیاست‌هاست که درست رفتیم. البته جاهایی هم به خطا رفتیم که طبیعی است عوارضش را هم باید درک کنیم. شما ملاحظه بفرمایید که قبل از شروع برنامه اول ۳۸ میلیارد متر مکعب آبهای کشور مهار شده بود، این رقم در سال ۷۳ به میزان ۱۲۵ میلیارد متر مکعب رسید. در حال حاضر ۵۲۰۰ مگاوات برق جدید وارد مدار شده است. در سال ۶۷ امکان مصرف ۱۲ میلیارد متر مکعب گاز وجود داشت، در سال ۷۳ رسید به ۳۲/۶ میلیارد متر مکعب و امثال ذلک. اینها آن روی سکه‌ای است که در واقع به سیاستهای صحیح و کارکردهای درستان‌باز

مشکل کنونی تورم را بدهیها می دانید
یا اینکه تعدیل به طور جامع و
مخصوصاً ساختاری انجام نشد؟

آقای ناطق نوری: ملاحظه بفرمایید. وقتی شما به ملازمات ساختاری به اندازه کافی اهمیت ندهید، هر چه هزینه می کنید، به همان نسبت بهره نمی گیرید. شما یک ساختار کهنه اداری دارید. تعدیل در این ساختار، حاصلش جز فساد چیز دیگری نیست. مثلاً شما تصمیم می گیرید خصوصی سازی کنید. خصوصی سازی، ساختار اداری مناسب خود را می خواهد. وقتی خصوصی سازی را به دستگاهی که خود اداره کننده است می دهید، حاصل چه می شود؟ ثروتهای بادآورده، زد و بند، ثروت پرستی اشخاصی با مناصب بالا و امثال ذلک.

شما در جریان تعدیل باید حتماً برای مشارکت سرمایه های مردم حساب باز کنید و همه کارها را بر دوش دولت نیندازید؛ اگر موانعی هست باید با آن موانع برخورد کنید نه آنکه فقط دست دولت را در کارها بازتر کنید. تحت عنوان تعدیل، در کل شما نمی توانید نسبت به ثبات اقتصادی و مخصوصاً ثبات نسبی قیمتها بی تفاوت باشید. عدم ثبات، امکان هرگونه سرمایه گذاری را از بین می برد. شما در جریان سیاست تعدیل باید به همخوانی سیاستهای پولی و مالی حساس باشید و همچنین انحصارات را به طور جدی ولو دولتی باشد، محدود کنید. مدیریت پروژه هایتان را آن قدر فعال کنید که یک

شد که همه بروند و از بانک ۵۰۰۰ دلار بگیرند. چرا؟ استدلال این بود که حساب سرمایه باید کار کند! بقیه هزینه ها را اینجا اشاره نمی کنم. فقط این را می گویم که ما مصارفمان هم دقت لازم را نداشت. نتیجه چه شد؟ آن شد که اگر متوسط گشایش اعتباراتمان را ۱۵ میلیارد دلار در سال در نظر بگیریم، باید ۴-۵ میلیارد دلار بابت اصل و فرع تعهدات در نظر گرفته شود. نتیجه بعدی چه شد؟ آن شد که اقتصاد ما که قبلاً با سالی ۲۳ میلیارد دلار ارز در دسترس حرکت می کرد، از سال ۷۲ به این طرف باید با سالی حدود ۱۰ میلیارد حرکت کند که این برای اقتصاد ما شوک عظیمی است. می دانید که ما چون ساختارهای اقتصادی درستی نداشته ایم و لذا نتوانستیم حتی با تحمل آن بدهیها، به یک ظرفیت سازی دست پیدا کنیم که خودش را به جلو ببرد. در همین برنامه اول اگر هزینه های انجام شده در بخش صنعت روی حساب انجام می شد، الان یک قدرت صنعتی بودیم با قابلیت های بالا. دیگرانی که به قدرت صنعتی تبدیل شدند حتی نصف این رقم را خرج نکردند. بنابراین شما بدهیهایی دارید که در کنارش درآمد ندارید. البته بخشهایی هم بودند که خوب کار کردند مثل فولاد، پتروشیمی و صنعت لاستیک. پس ملاحظه می شود که یک بخش از مشکل گرانی مابه سنگینی تعهدات خارجی و فشاری که از این بابت یکباره به اقتصادمان وارد شد باز می گردد...

مهندس ملایری: یعنی جنابعالی

حدود ۱۶ هزار میلیارد ریال بود. این رقم در سال ۷۲ یکباره حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. یعنی یکباره ۶۰ درصد اضافه شد. مشابه همین وضعیت را در سال ۷۳ می‌بینیم. این پدیده خیلی عجیب در تاریخ بانک مرکزی ایران را نباید به آسانی از کنارش گذشت، چرا که با توجه به اینکه کسری بودجه دولت در مجلس همیشه تصویب شده، و در این سالها افزایش چندانی نداشته، پس باید عامل دیگری باعث افزایش شدید این بدهی شده باشد؟ در واقع به عللی یکباره مواجه با کسری بودجه‌ای شد که اصلاً قرار نبود.

مهندس ملایری: منظورتان حساب ذخیره تعهدات است ...

آقای ناطق نوری: احسنت. بدهیهای خارجی دو وجه دارند، یک وجه ارزی و یک وجه ریالی. وجه ارزی آن بر میزان کالا در داخل اثر می‌کند و وجه ریالی آن عامل افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی که نتیجه آن تورم است.

به هر حال، غرضم آن بود که عرض کنم آن سیاست تعدیل (که به هر حال حاصل کار نیروهای خودی هم بود) به دلیل آنکه به جنبه‌هایی که عرض کردم توجه نکرده بود در عمل به شرایط خارج از کنترل انجامید که همان طور که عرض کردم به افزایش تعهدات خارجی و بدهی دولت به بانک مرکزی انجامید.

مهندس ملایری: منظورتان از ثبات اقتصادی و اصلاح ساختاری دقیقاً

کارخانه سیمان شما تا مثلاً ۲۰ سال طول نکشد، سیستم تأمین اجتماعی‌تان را به قدر کافی فعال بسازید و الگوی مصرفتان را جدی بگیرید تا مرتب هزینه‌های دولتی و خصوصی‌تان کمرشکن نشود. خوب مجموعه اینها ضرورت‌های هم‌بافت سیاست تعدیل است که من از آن به عنوان سیاست ثبات اقتصادی نام می‌برم که باید همزمان یا در بعضی موارد قبل از تعدیل باید در موردشان کارکرد و پیاده‌سازی نمود. پس ثبات و اصلاح ساختارها خیلی مهم است. خوب وقتی اینکارها را نمی‌کنید، چه می‌شود؟ تعدیل را شروع می‌کنید اما دستاوردهای شما در قبال هزینه‌ها محدود است. ما باید به دنبال تعدیلی باشیم که ساختارها را قبلاً ساخته باشیم. به همین دلیل بود که برنامه دوم سیاست اقتصادی متفاوت‌تری نسبت به برنامه اول انتخاب کرد و در واقع سرعت تعدیل را تعدیل کرد تا نظامات و ساختارها توان مناسب را به دست آورند ...

مهندس ملایری: جنابعالی داشتید بحث تورم را می‌فرمودید ...

آقای ناطق نوری: بلی. خوب. یک مشکل بدهیهای خارجی بود که به دلیل ضعفهای ساختاری، آن تعهدات بازپرداختش به اقتصاد کشور سنگینی کرد. یک مشکل دیگر از طرف بدهی دولت به بانک مرکزی اتفاق افتاد. این بدهی در سال ۷۲ و ۷۳ افزایش ناگهانی پیدا کرد. از ابتدای تشکیل بانک مرکزی تا سال ۷۱ این بدهی

* ما در برنامه اول دستاوردهای درخشانی داشتیم و فی الواقع این دستاوردها نتیجه طبیعی آن بخش از سیاستهاست که درست رفتیم. البته جاهایی هم به خطا رفتیم که طبیعی است عوارضش را هم باید درک کنیم.

* توسعه اگر مواهبی به همراه دارد و باصطلاح عایداتی به همراه دارد، باید در جهت رشد و تعالی انسانها به کار گرفته بشود. انسانها باید هر چه بیشتر در ابعاد معنوی رشد کنند. رشد شاخصهای معنوی، اصلی ترین هدف توسعه است...

* بیکاری به ویژه بیکاری نسل جوان از جمله مشکلاتی است که جامعه ما با آن روبه روست و با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، ایجاد اشتغال و برخورد جدی با بیکاری و پیآمدهای آن از جمله مسائل بسیار اساسی در جامعه است که تلاشهای پیگیر مجلس شورای اسلامی را ایجاب می کند.

چیست؟ آیا همان سیاستهایی است که در زمان جنگ اجرا می شد؟

آقای ناطق نوری: خیر منظور ثبات دادن و قابلیت دادن به اقتصاد کشور است، زیرا وقتی شما تعدیل قیمتها را براساس عرضه و تقاضا شروع می کنید اگر بخواهید مواجه با ضربات سخت تورمی یا از هم گسیختگی امور و یا کاهش سرمایه گذاری یا فرار سرمایه نشوید، باید ثبات اقتصادی و امنیت شغلی ایجاد کنید.

ما در شرایط جنگ، سیاست اقتصاددیمان نوعی تمرکز دولتی، بزرگتر کردن هر روزه دولت، بدون توجه به واقعیات اقتصادی جامعه بود و منابع ریالی و ارزی مان صرفاً براساس نظامات اداری - آن هم از نوع باز مانده از زمان طاغوت - توزیع می شد که بدترین نوع تخصیص دانسته می شود. برخی از روی ناآشنایی آن مجموعه سیاستها را تثبیت می خوانند، حال آنکه تثبیت، در واقع بخش همراه و بعضاً همزمان با تعدیل اجرا می شود و در واقع یک مجموعه سیاست است.

البته برخی سعی می کنند که مشکلاتی که اکنون وجود دارد را به سیاستهای تعدیل تحمیل کنند! این برداشت غلطی است. اگر مجموعه سیاستهای تعدیل به صورت زمان بندی شده در دستور کار قرار می گرفت و نظامات و ساختارها را به جایی می رساندیم که در آزادسازیها، یکباره مواجه با کسر بازرگانی خارجی و کسر بودجه شدید نشویم، طبعاً این مشکلات را امروز نمی داشتیم.

بودند که حذف کنند. شما حساب کنید که چه تورم عجیبی اقتصاد کشور را فرا می‌گرفت. در کنار آن راه حل، یک راه حل دیگر هم این بود که اصلاً به قیمت فراورده‌های نفتی دست نزنیم. اینهم عملی نبود. چون هم منابع ریالی برای پروژه‌های عمرانی کم داشتیم و هم اینکه بالاخره قیمت‌ها خیلی غیر عقلایی پایین بود. عنایت دارید که با این روند مصرف، اگر جلویش به نحوی گرفته نشود، تا هفت، هشت، ده سال آینده دیگر هر چه نفت استخراج می‌کنیم به مصرف داخلی می‌رسد و دیگر صادراتی نخواهیم داشت. مجلس آمد در حد محدودی با افزایش قیمت‌ها موافقت کرد. البته هیچ فکر سلیمی نمی‌گوید با این افزایش مشکل مصرف بی‌رویه انرژی در ایران حل خواهد شد. راه حل بستری و ساختاری این قضیه باید حتماً در کنار این افزایش قیمت وجود داشته باشد که متأسفانه هنوز نه روی آن کار شده و نه برنامه‌ای برای آن وجود دارد. و اساساً در مسأله انرژی به تلفات و الگوهای مصرف به طور جدی پرداخته‌اید و اصلاً هنوز در محلهای عمده مصرف مثل دولت، اقدامات جدی برای کنترل مصرف نکرده‌اید، چگونه انتظار دارید یک تنه افزایش قیمت به شما جواب مناسب را بدهد. قطعاً نخواهد داد.

مهندس ملایری: آیا برنامه دوم، در واقع به این جنبه‌های ساختاری به طور جدی پرداخته است؟
آقای ناطق نوری: باید بگویم تا حد قابل

مهندس ملایری: جنابعالی فی الواقع تأکیدتان بر این است که این جنبه‌های ملازم با برنامه تعدیل، به دلیل آماده نبودن، نگذاشت ما توفیق کاملتری در برنامه اول داشته باشیم. ممکن هست در مورد این جنبه‌های ساختاری قدری توضیح بدهید تا روشنتر بشود؟

آقای ناطق نوری: عرض می‌شود که مثلاً شما از دیدگاه تعدیل، باید یارانہ را به سرعت قطع کنید. یک سوبسید کلانی که الان دارد داده می‌شود، سوبسید انرژی است. ما در حال حاضر - آن طور که کارشناسان محاسبه کرده‌اند - حدود ده میلیارد دلار داریم سوبسید انرژی می‌دهیم. خوب. یک راه حل تعدیل قیمتی صرف آن است که بیاییم قیمت انرژی را در ایران براساس قیمت‌های بین‌المللی یا قدری کمتر قرار بدهیم. این راه حلهایی بود که سازمان برنامه برای برنامه دوم به مجلس پیشنهاد کرد. یعنی علاوه بر گرانیهایی که از ناحیه استقرار خارجی و داخلی داشتیم، یک نظر این بود که انرژی را هم در کوتاه مدت به شدت بالا ببریم.

مهندس ملایری: آثار تورمی اش هم محاسبه شده بود؟ ...

آقای ناطق نوری: البته محاسباتی ارائه داده بودند ولی خوب، معلوم بود که نمی‌شود به آن محاسبات اعتماد کرد. خوش بینانه بودا غیر از این، سوبسید کالاهای اساسی را هم در لایحه برنامه پیش‌بینی کرده

* آنها که با مدل‌های توسعه غربی خو کرده و حتی قدری هم از تحولات در همان غرب دورند و اندیشه‌شان در نوع لیبرال متبلور است، می‌گویند: دین را کنار بگذارید، توسعه آسانتر به دست می‌آید. این یک نادانی تاریخی است. این ثروت عظیم، چیز کمی نیست و شاید بتوان گفت تنها مزیت ما در جهان پر تکاپوی امروز برای دست یافتن به توسعه است.

* در همین برنامه اول اگر هزینه‌های انجام شده در بخش صنعت روی حساب انجام می‌شد، الان یک قدرت صنعتی بودیم با قابلیت‌های بالا. دیگرانی که به قدرت صنعتی تبدیل شدند حتی نصف این رقم را خرج نکردند. بنابراین شما بدهیهایی دارید که در کنارش درآمد ندارید. البته بخشهایی هم بودند که خوب کار کردند مثل فولاد، پتروشیمی و صنعت لاستیک.

قبولی بلی. ما بقول معروف قدری سرعت تعدیل را تعدیل کردیم و در کنار آن به جنبه‌های ساختاری بیشتر تأکید کردیم. برنامه دوم از این نظر جامعیت دارد البته عنایت دارید که برنامه دوم، مبنای عمل حرکت را معلوم می‌کند، متعاقب تصویب قانون برنامه دوم، استخراج مجموعه طرحها و لوایحی است که به طور جامع، آن سیاستها را به صورت اجرایی، مشخص کند و به نظر بنده این مرحله گام بعدی است که باید مجلس پنجم بردارد.

مهندس ملایری: با عنایت به مطالبی که فرمودید آیا الان فکر آماده‌سازی ساختارها برای تداوم تعدیل در دولت مطرح هست یا همچنان نظامات تشبیتی - متمرکزی دولتمدارانه، مبنای کارها و حرفهاست؟

آقای ناطق نوری: اگر شرایط را برای تداوم سیاستهای تعدیل آماده نکنیم، دیر یا زود مواجه با بحرانهای سختی خواهیم شد. دولت باید راه سرمایه‌گذاری را هر چه زودتر بگشاید و برای برنامه‌های فعلی زمان‌بندی معلوم کند. بنده این شرایط را در حال حاضر خیلی متحقق نمی‌بینم. در این وضعیت باید سازمان برنامه معلوم کند که تا کی می‌خواهد رفتارهای موجود را دنبال کند؟ کنترلها کدامها هستند؟ سیاستهای تخصیص منابع چگونه است؟ شما ملاحظه فرمایید در دوران آماده‌سازی نظامات برای تعدیل قیمتها، لازم است که آمار تخصیصها چه بسا به صورت روزانه منتشر گردد، زیرا شما تخصیص‌هایتان دیگر اداری است.

ما باید رسیدن به ملکات عالیہ انسانی باشد. بنابراین بنده در فرصت دیگری به نقش و اهمیت مؤلفه فرهنگی به عنوان عاملی که خیلی می‌تواند در گذراندن مشکلاتی که پیش روداریم به ما کمک کند، خواهم پرداخت. اما آن سؤالتان، سؤال مهمی است. واقعاً چه باید کرد؟ من باید عرض کنم که مجموعه نظام کارشناسی به ویژه در قوه مجریه، اصلاً خودش را برای آن آینده آماده نکرده و آمادگی‌های کافی را ندارد. همین طرح فقرزدایی که مطرح است. کیست که نداند فقر معلول عوامل متعددی است؛ وقتی شما با ریشه‌های تنومند تورمی در جامعه مواجه هستید طرح مسائل روبنایی، قطعاً بر راه‌حلهایی غیر جامع می‌انجامد.

دستگاه‌های کارشناسی ما باید روی ثبات اقتصادی، مهار تورم و ایجاد و اصلاح ساختارها به طور جدی‌تر بپردازد. به اشتغال و اصلاح سیستم حقوق و دستمزد بپردازد و... تا نهایتاً به حل فقر برسد.

مهندس ملایری: ولی ما همچنان در انتظار دریافت دیدگاه‌های شما در خصوص نحوه مقابله با این چالش‌های بزرگ پیش رو هستیم. البته این اشارات از طرف جنابعالی قدری هدایتگر بود...

آقای ناطق نوری: جنابعالی که خیال ندارید بنده اینجا یک نسخه کامل و جامع بیچم؟! ملاحظه بفرمایید. به نظر بنده برای رفع مشکلات پیش رو باید مسائل را دسته‌بندی کرد. باید به قول ما آخوندها

مزیتی و متکی به عوامل عرضه و تقاضا نیست. خوب. شما اصلاً ظرف این مدت کدام اطلاعیه را از دستگاهها دریافت کردید که مثلاً منابع ارزی ظرف چند ماه گذشته چگونه و به چه اشخاصی و بابت چه چیزی داده شده است؟ منابع ریالی‌تان چه طور؟ مجوزها‌تان برای واردات و صادرات بازرگانی چه طور؟ همین طور توزیع تولیدات حواله‌ای‌تان مثل پتروشیمی و امثال ذلک چه طور؟ اصلاً دستگاهها اگر آمار هم بخواهید نمی‌دهند! این اسمش آماده سازی برای برگشت به عرضه و تقاضای طبیعی بازار و تعدیل نیست. برگشت به دوران تمرکز دولتی و حاکمیت تکنوکراتها و بوروکراتهاست؛ همانها که بیشتر از همه با سیاستهای تعدیل مخالفت می‌کنند؛ معلوم است که دیوان سالاری نمی‌خواهد ابزار قدرت خود را از دست بدهد.

مهندس ملایری: به نظر جنابعالی از حالا برای فردا چه باید کرد؟ عنایت دارید دولتی دارد می‌رود و دولتی روی کار می‌آید که حالا همه این مسائل را با خود خواهد داشت. مضاف بر آنکه احتمالاً آن امکانات سانور (مانند استقراض) را هم ندارد...

آقای ناطق نوری: اینجا البته بحث خیلی روی اقتصاد متمرکز شد و الا توجه فرمودید که وقتی بحث از توسعه است روی تمامی جنبه‌ها توجه می‌شود. اصلاً مکتب ما به ما می‌آموزد که حاصل و نتیجه کوششهای همه

* ما فرقمان با افغانستان در چیست؟ تاریخمان که خیلی به هم نزدیک است، سرزمینمان هم که به هم چسبیده. چه چیزی از ما یک استحکام در دنیای امروز ساخته؟ این مزیت ولایت فقیه، سرمایه این مملکت نیست؟ آیا باصطلاح تئوریهایی توسعه در جهان امروز با مزیتها این طور برخورد می کنند؟

* شما در جریان سیاست تعدیل باید به همخوانی سیاستهای پولی و مالی حساس باشید و همچنین انحصارات را به طور جدی ولو دولتی باشد، محدود کنید. مدیریت پروژه هایتان را آن قدر فعال کنید که یک کارخانه سیمان شما تا مثلاً ۲۰ سال طول نکشد، سیستم تأمین اجتماعی تان را به قدر کافی فعال بسازید و الگوی مصرفتان را جدی بگیرید تا مرتب هزینه های دولتی و خصوصی تان کمر شکن نشود.

«الاهم، فالا هم» کرد. شما در مرحله اول باید به مسائل اساسی و ساختاری تان بپردازید. این مسائل باید نظامات شما را به صورتی سامان بدهند که شما را از این معضل نجات دهد که یا تورم سنگین را دارید و قدری فعالیت اقتصادی و یا رکود تورمی را دارید ولی قدری میزان تورمش کمتر است. این حلقه را باید حتماً گسست. به نظر من مجلس پنجم باید به این مهم نیز بپردازد. همانطور که عرض کردم راه کارهای اصلی را برنامه دوم معلوم کرده، حالا باید براساس همان راه کارها، قوانین و سپس آیین نامه های لازمه را فراهم آوریم. باید واقعاً کاری کنیم که هر کس نتیجه زحمات و کوششهای خودش را ببیند و مضافاً دولت مسؤولیت تغییر هر گونه تصمیماتی را که می گیرد، عهده دار شود و آن را به دوش مردم بار نکند.

مهندس ملایری: از فرمایشات جنابعالی این طور مستفاد می شود که ایده هایی برای طرح در مجلس پنجم دارید. یعنی این طور معلوم می شود که مجلس پنجم قصد دارد که به طور بنیادین به اصلاح نظامات و ساختارها بپردازد. اینجا این سؤال مطرح می شود که چه نکات و سرفصلهای خاصی مد نظر است و چرا و چگونه؟ و آیا طبیعت کارکردی مجلس اقتضاء تصمیماتی تحول آمیز که دولت را مجبور یا کمک به اجرا کند می دهد؟

آقای ناطق نوری: مجبور هستم این جنبه ها را بیشتر توضیح بدهم. شما ملاحظه

منابع مالی و انسانی دارد. خوب. پس از انقلاب، تلاشهای مختلفی برای دستیابی به سازمان متناسب اداری صورت گرفت اما آن اصلاحات فراگیر و اساسی نبود. کوشش زیاد شد، اما به طور بنیادین ساختار دولت متحول و متناسب با برنامه‌های توسعه نشد. من فکر می‌کنم لازم هست که مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از محورهای اساسی فعالیتهای خود اصلاح ساختار سازمانی مدیریت امور اجرایی و طراحی تشکیلات مطلوب اداری - مالی کشور را در دستور کار خویش قرار دهد.

مهندس ملایری: یعنی به جای سیاستهای به اصطلاح «وصله - پینه» که طی این سالها در مورد ساختار دولت هر از چند گاهی یا سازمانها و دستگاهها را تفکیک یا جمع می‌نمودیم، یکبار برای همیشه، یک ساختار دولت کارآمد و منطبق با تحولات زمان و قابلیتهای بودجه‌ای طراحی و مبنای کار قرار می‌گیرد؟...

آقای ناطق نوری: همین طور است. البته اینجا مجال تفصیل نیست؛ فقط اشاره می‌کنم که با همکاری تمامی کارشناسان از دولت، دانشگاهها، مرکز پژوهشها و... خواهیم توانست به یک ساختار مطلوب و مناسب تحولی انشاءالله برسیم و مجلس تصویب کند.

کار مهم دیگری که باید مجلس پنجم انجام بدهد، اصلاح نظام مالیاتی به صورت بنیادین است. عنایت دارید که مالیاتها

بفرمایید که ما در کشورمان مسائل ریشه‌ای داریم که حل نشده. آن مسائل ریشه‌ای است که ما را در آن ادوار تسلسلی گرفتار می‌کند. من به آن مشکلات ریشه‌ای به طور خلاصه اشاره می‌کنم.

یکی از محورهای اساسی که باید مجلس پنجم به آن پردازد، اصلاح ساختار مدیریت اجرایی یا به اصطلاح تشکیلات و سازماندهی قوه مجریه است. همانطور که می‌دانید حکومت در معنای محدود آن یعنی دولت، دارای وظایفی است که عمده‌تاً این چهار چیز را در بر می‌گیرد:

اول - امور عمومی و حاکمیت دولت مانند امور دفاعی، حفظ نظم و امنیت داخلی و غیره؛

دوم - اعمال تصدی‌های دولتی مانند فعالیت در شرکتهای تولیدی یا بازرگانی؛ سوم - امور توسعه‌ای یا برنامه‌ای مانند ایجاد زیربناهای مختلف از جمله احداث شبکه راهها، مهار منابع طبیعی و غیره؛

چهارم - امور توزیع مجدد و حمایتی مانند پرداخت یارانه یا دریافت مالیات از کالاهای لوکس، امور مربوط به تأمین اجتماعی و غیره.

معمولاً دولت برای انجام وظایف خود ابزاری به شکل تشکیلات اداری - مالی در اختیار دارد. معلوم است که ساختار این تشکیلات از جمله عواملی است که تأثیری اساسی در مطلوبیت فعالیتهای دولت در انجام وظایف قانونی، آن هم متناسب با

و بخشودگیها دارد با توجه به پیش‌بینی‌هایی که برنامه دوم کرده، باید یکبار برای همیشه این وضعیت آشفته را به سامان برساند.

مهندس ملایری: در همین رابطه احتمالاً لازم می‌آید که مشکل تعدد منابع وصول از شهرداریها گرفته تا سازمان حمایت و امثال ذلک، حل شده و تحت یک قاعده و منطق درآید.

آقای ناطق نوری: همین طور است که می‌فرمایید. سومین محور که باید در دستور کار مجلس پنجم در جهت اصلاح ساختاری و بازسازی نظامات اجرایی و برنامه‌ای کشور باید باشد، اصلاح نظام بودجه‌ریزی کشور است. حتماً می‌دانید که بودجه سند مالی فعالیت‌های دولت است که از طرفی ابزار اعمال نظارت قوه مقننه بر قوه اجراییه و از طرف دیگر وسیله و ابزاری برای برنامه‌ریزی تفصیلی، اجرایی و سیاستگذاری اقتصادی - اجتماعی حکومت است. بودجه مجموعه پیچیده‌ای از هدفها، اصول و ضوابط، مقررات و رویه‌های اجرایی و طبقه‌بندیهای مختلف است. مضافاً خود نحوه رسیدگی و تهیه و تصویب بودجه نیز فرایند پیچیده‌ای است که در عمل به اطلاعات مالی و غیر مالی جامعی نیاز دارد تا بتواند در نهایت به ارزیابی، کنترل و تصحیح تصمیم‌گیریهای دولت و تأثیر آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور بینجامد.

می‌دانید که ترتیبات تهیه، رسیدگی و تصویب بودجه با ابلاغ بخشنامه بودجه -

عمده‌ترین منابع درآمدی دولتها را تشکیل می‌دهد. مالیاتها بر نحوه حرکت و عمل منابع تأثیر می‌گذارند و توزیع درآمد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. خود پایه‌ها و نرخهای مالیاتی که اساس یک نظام مالیاتی را تشکیل می‌دهند. انتخاب همین پایه‌ها و نرخ مالیاتی موضوع بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای است؛ چرا که انتخاب ترکیبهای مختلفی از آنها تأثیرات متفاوتی بر نحوه عمل و تخصیص منابع، توزیع درآمد و میزان درآمد دولت دارد و بر کارایی اقتصادی، عدالت اجتماعی به صورت مختلف اثر می‌گذارد.

در گذشته فقط مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم به عنوان بخشهای اساسی مالیاتها بودند اما امروزه در دنیا عمدتاً مالیاتها را براساس پایه‌های آن چون مالیات بر درآمد، مصرف و ثروت تقسیم بندی می‌کنند. در ایران مجموعه قوانین مالیاتی فاقد یک انسجام منطقی است. به علاوه سیستم مالیاتی ایران مملو از تبصره‌ها و معافیهایی است که عمدتاً و صرفاً به مالیاتها از دیدگاه درآمد دولت توجه کرده، حال آنکه مالیاتها ابزار بسیار مهمی در فراهم نمودن بستر مناسب اقتصادی برای برنامه‌ها و سیاستهای بلند مدت کشور مانند هدایت بخش صنعت، توسعه صادرات، حمایت از بخش تولید و نظایر آن است. بنابراین بررسی و اصلاح نظام مالیاتی به عنوان یکی از محورهای اساسی در اقتصاد کشور مطرح است و قوه مقننه که نقش اساسی در تعیین پایه‌ها و نرخهای مالیاتی و تعریف معافیتها

گفتگو

را لحاظ می‌کنند و به اهداف کلان و منافع جامعه توجهی نمی‌کنند. به عبارت دیگر دستگاههای اجرایی خود را، صرفاً مسؤول بخش خویش می‌دانند.

سوم آنکه: محدودیتهای زمانی از یک طرف و وجود عوامل جنبی (چه بسا فشار از سوی برخی نمایندگان مجلس، دستگاههای اجرایی، عوامل محلی و ...) از سوی دیگر مانعی جدی در راه رسیدگی دقیق پیشنهادهای دستگاههای اجرایی در سازمان برنامه و بودجه و ستادهای بودجه آن هست.

چهارم آنکه: برآوردهای بودجه‌ای عملاً در هیأت دولت مورد بحث قرار نمی‌گیرد و تنها تبصره‌ها در هیأت دولت به بحث گذاشته می‌شود.

پنجم آنکه: کمیسیونهای تخصصی مجلس نیز به دلایل مختلف از جمله پراکندگی تخصصها، بعضی وقتها تعصب نسبت به دستگاه اجرایی مربوطه، اعتماد به دستگاه اجرایی و غیره عملاً نمی‌توانند برآوردهای غیر واقعی را به برآوردهای واقعی و متناسب با حجم درآمدها نزدیک کنند.

ششم آنکه: در مجلس اساساً هیچگاه ردیفها مورد بحث قرار نگرفته بنابراین در این مرحله نیز اصلاحات لازم در بودجه به عمل نمی‌آید.

هفتم آنکه: دستگاههای اجرایی از فرصت تصویب بودجه برای تصویب قوانینی استفاده می‌کنند که از طریق عادی.

که پیش‌نویس آن توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه می‌شود - توسط ریاست جمهوری به دستگاههای اجرایی آغاز می‌شود. بعد از آن دستگاههای اجرایی برآورد نیازهای مالی خود را در سال آینده - که معمولاً برآوردهایی غیر دقیق است - به سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌کنند. ستادهای بودجه مستقر در سازمان برنامه و بودجه برآوردهای دستگاههای اجرایی را مورد رسیدگی و اصلاح قرار داده نتیجه نهایی را به مجلس شورای اسلامی اعلام می‌دارند. روند بودجه‌ریزی با بررسی نظرات اعلام شده توسط کمیسیونهای تخصصی مجلس و سپس صحن عمومی مجلس و اصلاح و تصویب آن پایان می‌گیرد. خوب، خود ترتیبات تهیه، بررسی و تصویب بودجه در بطن خود دارای مشکلاتی است. این مشکلات را می‌توان این طور تشریح کرد (اینها را که طبقه‌بندی می‌کنید به این مشکلات می‌رسید):

اول آنکه: این فرهنگ غلط در دستگاههای اجرایی وجود دارد که نباید نیازهای واقعی را اعلام کنند! بلکه باید هر چقدر می‌توان نیازها را بیشتر اعلام کرد تا اصلاحات بعدی که موجبات کاهش بودجه درخواستی را فراهم می‌آورد نتواند سطح بودجه را به کمتر از برآوردهای واقعی کاهش دهد.

دوم آنکه: دستگاههای اجرایی در تهیه و پیشنهاد بودجه تنها منافع دستگاهی خود

* سازمان برنامه معلوم کند که تا کی می‌خواهد رفتارهای موجود را دنبال کند؟ کنترلها کدامها هستند؟ سیاستهای تخصیص منابع چگونه است؟ شما ملاحظه بفرمایید در دوران آماده‌سازی نظامات برای تعدیل قیمتها، لازم است که آمار تخصیصها چه بسا به صورت روزانه منتشر گردد، زیرا شما تخصیصهائتان دیگر اداری است. مزیتی و متکی به عوامل عرضه و تقاضا نیست. خوب. شما اصلاً ظرف این مدت کدام اطلاعیه را از دستگاهها دریافت کردید که مثلاً منابع ارزی ظرف چند ماه گذشته چگونه و به چه اشخاصی و بابت چه چیزی داده شده است؟

* خصوصی سازی، ساختار اداری مناسب خود را می‌خواهد. وقتی خصوصی سازی را به دستگاهی که خود اداره کننده است می‌دهید، حاصل چه می‌شود؟ ثروتهای بادآورده، زد و بند. ثروت پرستی اشخاصی با مناصب بالا و امثال ذلک.

مراحل مختلف و طولانی دارد. بدین ترتیب عملاً تعداد تبصره‌های بودجه‌ای افزایش یافته و وجود تناقض، یا خلأ و یا ابهام در قوانین افزایش پیدا می‌کند.

خوب، اینها مشکلات ریشه‌ای ماست. این مشکلات و دیگر مسائل اقتضا می‌کند اصلاح نظام، قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به تهیه، بررسی و تصویب بودجه کل کشور به عنوان یکی از محورهای اساسی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دهیم و نظام بودجه‌ریزی از جنبه‌های مختلف: عناصر و عوامل مؤثر، وظایف هر یک از عوامل، نحوه ارتباط بودجه و برنامه و نظایر آن بازنگری و اصلاح کنیم.

در ادامه همین روند، چهارمین محوری که باید مجلس پنجم در دستور کار خود قرار دهد اصلاح قانون برنامه و بودجه است.

درواقع یکی از محورهای اساسی پیش روی مجلس شورای اسلامی برقراری رابطه بین برنامه و بودجه از طریق بازنگری قانون برنامه و بودجه و اصلاح آن در جهت ملزم کردن عوامل فعال در برنامه ریزی و بودجه‌ریزی به ایجاد هماهنگی‌های لازم بین برنامه و بودجه، در کلیه سطوح اعم از سطوح کارشناسی در دستگاههای اجرایی، سازمان برنامه و بودجه، هیأت دولت، کمیسیونهای خاص مجلس شورای اسلامی و خود مجلس شورای اسلامی است. بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود در تنظیم بودجه به اهداف برنامه بیشتر و بیش از سایر ملاحظات، توجه شود و هماهنگی لازم بین برنامه و بودجه تضمین شود.

مقررات موجود، لغو موارد بازدارنده و محدود کننده و تصویب قوانین و مقررات مناسب و تسهیل کننده ضرورت پیدا می‌کند. مسأله مهم بعدی تدوین سیاستهای صنعتی - تجاری دقیق است. می‌دانیم که فعالیتهای صنعتی از جمله مهمترین بخشهای اقتصادی کشور است، که علی‌رغم هزینه‌های قابل ملاحظه در آن در چند دهه گذشته، هنوز نتوانسته جایگاه مناسبی را در مجموع اقتصاد کشور به دست آورد.

به طور کلی صنعت ما از مسائلی همچون بهره‌وری پایین، نداشتن قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی، کمبود متخصص فنی و مدیریتی، ازدیاد فاصله تکنیکی با کشورهای صنعتی، دور افتادن از پیشرفتهای بین‌المللی در سازماندهی صنعتی و فقدان یک برنامه صنعتی در سطح ملی رنج می‌برد. به نظر می‌رسد یکی از محورهای اساسی پیش روی مجلس شورای اسلامی توجه به ابعاد مختلف مطرح شده در صنعت کشور در جهت توسعه این بخش و بهره‌برداری از ظرفیتهای غیر قابل انکار آن باشد. از این رو لازم است اولاً سیاست صنعتی‌مان معلوم باشد، ثانیاً، قوانین و مقررات صادرات و واردات اصلاح بشود و ثالثاً در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی نیازهای قانونی جامع باید رفع بشود.

در مورد قوانین و مقررات صادرات و واردات نیز باید بگوییم که در سالهای گذشته

غیر از اینها به عنوان پنجمین محوری که به نظر بنده باید مجلس پنجم به طور بنیادین به آن پردازد مسأله اشتغال و مزد و حقوق است. یکی از مهمترین اهداف رشد و توسعه، بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه است. اساساً توسعه در شرایطی تحقق پیدا می‌کند که غالب افراد جامعه در فعالیتهایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و از منافع آن بهره‌مند شوند. بنابراین اشتغال موضوعی اساسی است که بهبود زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و فرد، را به همراه دارد. مزد و حقوق سهم عامل کار را از حاصل نشان می‌دهد. بنابراین در بررسی اشتغال، همواره باید به مسأله فرد و حقوق توجه داشت.

بیکاری به ویژه بیکاری نسل جوان از جمله مشکلاتی است که جامعه ما با آن رو به روست و با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، ایجاد اشتغال و برخورد جدی با بیکاری و پی آمدهای آن از جمله مسائل بسیار اساسی در جامعه است که تلاشهای پی‌گیر مجلس شورای اسلامی را ایجاب می‌کند. به ویژه آنکه ایجاد اشتغال در ارتباط بسیار نزدیکی با موضوعاتی همچون سرمایه‌گذاریهای مولد در بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی به ویژه صنعت، انتخاب تکنولوژیهای بومی و مناسب، سطوح مهارتی مختلف و آموزش تخصصیهای لازم، نظایر آن قرار می‌گیرد. به نظر بنده در این جهت بررسی قوانین و

* ما در برنامه اول دو تا کار انجام دادیم که امروز نتایج آن کارها را داریم حمل می‌کنیم. مطمئن باشید که فردا نتایج کارهای امروزمان را حمل خواهیم کرد. آن دو کار چه بود؟ یکی آن بود که تنها تعدیل را متوجه قیمت‌ها کردیم و دوم آنکه یکباره هزینه‌های ارزی‌مان شدت گرفت و مواجه با تعهدات خارجی شدیم.

* من باید عرض کنم که مجموعه نظام کارشناسی به ویژه در قوه مجریه، اصلاً خودش را برای آن آینده آماده نکرده و آمادگی‌های کافی را ندارد. همین طرح فقرزدایی که مطرح است. کیست که نداند فقر معلول عوامل متعددی است؛ وقتی شما با ریشه‌های تنومند تورمی در جامعه مواجه هستید طرح مسائل روبنایی، قطعاً بر راه‌حلهایی غیر جامع می‌انجامد.

تغییرات بسیار گسترده‌ای یافته است که شاید بتوان دلیل اصلی آن را تغییرات سریع وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور دانست. اما نکته قابل توجه آن است که تغییر قوانین و مقررات عمدتاً واکنشی بسیار سریع نسبت به شرایط روز بوده و بدون آنکه تغییرات حادث شده به درستی تحلیل و جنبه‌های مختلف آن مشخص شود، صورت گرفته است. این قوانین و مقررات در ارتباط بسیار تنگاتنگی با مسائل پولی، مالی، گمرکی و حمل و نقل چه در مرزهای ملی و چه در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرد و موافقتنامه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیری قابل ملاحظه بر آن دارد. بنابراین باید بتواند در افق زمانی به اندازه کافی بلند مدت و با انعطاف پذیری لازم پاسخگویی لازم را برای مسائل و موضوعات مذکور داشته باشد. بررسی جامع قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات به طوری که به تنظیم و تصویب قوانینی صریح بینجامد و در عین حال پاسخگوی نیازهای جدید تجارت بین‌المللی باشد کاری بسیار دشوار است که می‌تواند به عنوان یکی از محورهای اساسی فعالیت مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. مهندس ملایری: جنابعالی در مورد بسترسازی مناسب برای توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین امکان جذب سرمایه‌های خارجی چه فکر می‌کنید؟ آیا مجلس به آنها هم باید بپردازد؟

آقای ناطق نوری: مسأله ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی برای سرمایه‌گذاری داخلی

گفتگو

است که مجلس پنجم شورای اسلامی لازم است آن را به طور جدی در دستور کار خود قرار دهد.

در مورد سرمایه‌گذاری خارجی، خوشبختانه طرح خوبی در دستور کار مجلس هست که باید آن را جامع‌تر و کارسازتر کنیم و اگر افرادی و کشورهای علی‌رغم فشار و تحریم امریکا می‌خواهند بیایند با ما در امر توسعه مشارکت داشته باشند و سهم معقول و منصفانه‌ای هم از این بابت ببرند، بتوانند بیایند و در واقع از سرمایه‌های افراد و شرکتهای خارجی علاقه‌مند سرمایه‌گذاری در کشور استفاده کنیم. این البته الان در دنیا جاافتاده و مخصوصاً دولتهایی که از استحکام کافی برخوردارند و به قول معروف به اقتدار و انضباط مطلوبی رسیده‌اند، امکانات سرمایه‌گذاری خارجی را هم به کشورشان راه می‌دهند متنها با ضوابط و قوانین خودشان و با رعایت منافع ملی‌شان و حق و حقوق منصفانه برای آن سرمایه‌گذاران. ما هم در ایران در موقعیتی هستیم که می‌توانیم و باید اینکار را انشالله به دقیق‌ترین وجه آن انجام بدهیم.

تردید نداشته باشید که سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با وام و استقراض خارجی مطلوبیت نسبی بیشتری دارد و اگر دقیق انشالله عمل بشود، بیشتر می‌تواند در خدمت منافع کشور باشد. البته فراموش نکنیم که ما باید در مرحله اول تا می‌توانیم

مسأله بسیار مهم و کلیدی است. باید ریشه‌های عدم جذب کافی سرمایه‌گذاری داخلی را شناسایی و رفع کنیم و با راه‌کارهای قانونی به دفع آنها برویم.

می‌دانید که منابع اصلی سرمایه‌گذاری داخلی عمدتاً عبارت است از: امکانات پس‌انداز جامعه، وام یا اعتبارات سیستم بانکی و منابع موجود در بازار سرمایه یا اصطلاحاً بورس شناخت ظرفیت هر یک از این منابع موضوعی است که نیاز به بررسی در ابعاد مختلف دارد. همچنین گسترش هر یک از این منابع همانطور که عرض کردم مستلزم تصمیم‌گیریهایی اساسی در زمینه مسائلی مثل نرخ سود و نرخهای مالیاتی، نحوه حمایت از سرمایه‌گذارهای مولد و حفظ امنیت منافع سرمایه‌گذاران و نظایر آن دارد. علاوه بر اینها، آنچه در رابطه با موضوع سرمایه‌گذاری دارای اهمیت جدی است، شناخت موانع است. همچنین فراهم بودن شرایط دیگری همچون سطح عمومی قیمتها، نظام و نرخهای مالیاتی، پوشش و امکانات بیمه، قوانین و مقررات مختلف همچون قوانین و مقررات کار، واردات و صادرات، بانکی و پولی و نظایر آن از جمله عواملی است که می‌تواند به صورت مانعی در برابر سرمایه‌گذاری یا تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری عمل نماید. بنابراین بررسی ابعاد مختلف سرمایه‌گذاری داخلی یکی از محورهای اساسی در تدوین سیاست صنعتی - تجاری کشور است و موضوعی

* کار مهم دیگری که باید مجلس پنجم انجام بدهد، اصلاح نظام مالیاتی به صورت بنیادین است. عنایت دارید که مالیات‌ها عمده‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. مالیات‌ها بر نحوه حرکت و عمل منابع تأثیر می‌گذارند و توزیع درآمد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. خود پایه‌ها و نرخهای مالیاتی که اساس یک نظام مالیاتی را تشکیل می‌دهند. انتخاب همین پایه‌ها و نرخ مالیاتی موضوع بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای است.

* بخشهایی مثل صنعت که حدود سی - چهل میلیارد دلار هزینه کردند، گفته بودند که این مقدار ارز اگر به ما بدهید، دیگر ارز نخواهیم خواست و برای مملکت نه تنها اصلاً تحمیل ارزی نمی‌کنیم، بلکه ارز هم خواهیم آورد. که ابداً این کار را که نکردند! این یک قلم از آن هزینه‌های ارزی بود.

منابع داخلی مان را به کار بستیم و صرفاً کمبودها مان را از این شیوه جبران نماییم. مهندس ملایری: عنایت دارید که پیوستن به اصطلاحاً گات یا سازمان تجارت جهانی مسأله مهمی است که قاعدتاً در پیش روی دولت و مجلس قرار دارد و باید قاعدتاً ظرف یکی دو سال آینده در موردش تصمیم گرفت. آیا به نظر جنابعالی مجلس پنجم به این مقوله هم نظر خواهد داشت؟

آقای ناطق نوری: پیوستن به گات موضوع حساسی است که می‌تواند آثار مثبت یا منفی برای اقتصاد ملی کشور در پی داشته باشد. ظاهراً عمده‌ترین هدف گات ایجاد یک نظام با ثبات، شفاف و خالی از نوسانهای شدید اقتصادی - تجاری در سطح جهان است و ادعا آن است که منافع آن نصیب کلیه کشورها می‌شود؛ زیرا با استدلال آنها ثبات نظام تجاری جهانی از ایجاد نوسانهای شدید در تجارت هر یک از کشورها خواهد کاست.

اما از طرف دیگر پیوستن به گات می‌تواند آثاری زیانبار بر اقتصاد ملی داشته باشد. پیوستن به گات مستلزم کاستن از تعرفه‌هاست و آثار کاهش تعرفه به سادگی به دلیل ضعف کارشناسی در دستگاه‌ها، هنوز برآورد نشده و می‌گویند احتمالاً قابل تبیین نیست! چه همانگونه که کاهش تعرفه‌ها می‌تواند موجب افزایش صادرات کشور، به سایر کشورها گردد، این کاهش می‌تواند افزایش واردات کشور از دیگر کشورها را نیز در پی داشته باشد. حال برآیند این تغییرات بسته به انواع کالاهای صادراتی

نماید.

نهمین مورد مهمی که باید مجلس پنجم به آن پردازد اصلاح نظام آماری و ایضا ایجاد نظام مطلوب اطلاع رسانی است.

می‌دانید که یکی از مشکلات مسؤولان کشور برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمبود آمار و ارقام گویا و قابل اعتماد است. این معضل از قدیم و از شروع برنامه‌ریزی در ایران به عنوان یک عامل بازدارنده وجود داشته و اکنون با گذشت حدود پنج دهه هنوز از آن به عنوان یکی از مهمترین مشکلات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در کشور یاد می‌شود. یکی از دلایل کمبود در این زمینه، ساختار نارسای نظام آماری کشور است که موجب شده تا آمار و ارقام دقیق، بی طرف و «به هنگام» کمتر در اختیار مردم و مسؤولان قرار گیرد و آمار و ارقام موجود نیز به هیچ وجه تکافوی نیاز مسؤولان و برنامه‌ریزان را نکند.

آمار در ذات خود، محصول نهایی نیست، بلکه واسطه‌ای است در راه خدمت به سایر علوم و شناخت مسائل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، و از این رو باید به طریقی عرضه شود که به آسانی بتوان آن را به کار گرفت. این امر تنها زمانی امکان پذیر هست که نظام آماری از توانایی کافی برای عرضه آمار مطلوب و به هنگام برخوردار باشد و ضمن آگاهی از نیاز مصرف کنندگانش، خود نیز ساختاری مطلوب و به

و وارداتی آنها در ارتباط با سایر کشورهای عضو، می‌تواند برای اقتصاد کشور مثبت و یا منفی باشد. به عبارت ساده‌تر پیوستن به گات دارای منافع و هزینه‌هایی برای اقتصاد ماست که بستگی کامل به ساختار اقتصادی کشور و میزان انعطاف‌پذیری و قابلیت سازگاری آن با شرایط پس از الحاق به گات دارد. البته فراموش نکنیم که ما بیشتر وارد کننده بوده‌ایم تا صادرکننده. ولی به هر حال قبل از پیوستن به گات باید کلیه آثار مثبت و منفی الحاق به گات، به صورت کمی، حتی‌الامکان کالا به کالا و صنعت به صنعت با جزئیات دقیق مطالعه بشود و آثار آن بر صنعت، تجارت، اشتغال، تراز پرداختها، افزایش کارایی، جذب تکنولوژی و از همه مهمتر از نظر سیاسی و با حفظ استقلال اقتصادی و منافع ملی و نظایر آن مشخص شود. باید توجه داشت که پیوستن به گات مستلزم تربیت یک کادر فنی اقتصادی - حقوقی است که بتواند مذاکرات مربوط به گات را راهبری کرده و به ثمر برساند و با پیامدهای سیاسی آن روبه‌رو شود که ظاهراً در حد محدود آمادگی‌هایی هم در قوه مجریه تاکنون فراهم آورده‌اند.

با این حال نظر جنابعالی صحیح است و با توجه به نکاتی که عرض کردم و ضرورت تصمیم‌گیری نسبت به پیامدهای آن و تنظیم برنامه عمل کشورمان نسبت به آن لازم است مجلس شورای اسلامی بخش قابل ملاحظه‌ای از توان خود را بر آن متمرکز

«آلودگی» در جریان اطلاع‌رسانی و فقدان نظام مناسب برای پالایش اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی مشاهده کرد.

بنابراین با توجه به حساسیتی که نسبت به مسأله اطلاعات در جهان امروز وجود دارد، لازم است کشور از یکسو نسبت به بازشناسی اطلاعات مرتبط و مورد نیاز برنامه‌های خود و از سوی دیگر با تولید و سازماندهی اطلاعات مورد نیاز خود، برنامه‌های مشخصی را تدوین کند. روشن است که برای این منظور انجام سرمایه‌گذاریهای لازم و قوانین و مقررات تسهیل‌کننده ضرورت تام دارد و مجلس شورای اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از محورهای اساسی، زمینه‌های مختلف مرتبط با نظام اطلاع‌رسانی نظیر مدیریت اطلاع‌رسانی، روابط برون مرزی از لحاظ اطلاع‌رسانی، تولید اطلاعات در داخل کشور، وضع سرمایه‌گذاری در حوزه اطلاع‌رسانی، شناسایی مصرف‌کنندگان اطلاعات در حوزه‌های مختلف در داخل کشور، ساختار و سازمان فنی نظام اطلاع‌رسانی و نظایر آن را در دستور کار خود قرار دهد.

و بالاخره دهمین محوری که به نظر بنده باید در دستور کار قرار گیرد مسأله تدوین سیاست علمی برای سمت‌گیری دقیق آموزش و پژوهش و تکنولوژی در کشور است.

می‌دانید که اگرچه نیروهای مختلفی کشورهای متفاوت جهان را به پیش می‌راند، اما در این میان علم و تکنولوژی نقش مهمی

هنگام داشته باشد. برای طراحی چنین ساختاری لازم است مطالعات کافی و همه‌جانبه از ساختار فعلی و ضعفها و قوت‌های نظام موجود صورت بگیرد و ساختار مطلوب معرفی شود. بدیهی است قوانین و مقررات لازم برای اجرای ساختار مطلوب نظام آماری کشور مستلزم مشارکت فعالانه مجلس شورای اسلامی در جهت بازنگری قوانین و مقررات موجود و اصلاح و تصویب نهایی آن هست. بنابراین اصلاح نظام آماری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از محورهای کار مجلس پنجم باید مورد توجه باشد.

در مورد نظام اطلاع‌رسانی هم عنایت دارید که یک وجه دیگر تولید اطلاعات، مصرف اطلاعات است. تولیدکنندگان اطلاعات در جهان عمدتاً کشورهای غربی هستند که با تمام توان در جستجوی مصرف‌کنندگان محصول خود می‌باشند و در این میان کشورهای در حال توسعه را که کشور ایران نیز از جمله آنان است را باید مهمترین مصرف‌کنندگان این بازار تازه دانست. نکته قابل توجه آنکه مصرف ناآگاهانه از این اطلاعات تولید شده در نهایت کشورهای در حال توسعه را در دام وابستگی اطلاعاتی و علمی می‌افکند که هم اکنون جلوه‌هایی از آن را می‌توان در مواردی از قبیل: وارد کردن اطلاعات بدون آنکه موارد دقیق مصرف آنها روشن باشد، یا اهمال و بی‌میلی نسبت به تولید اطلاعات مکمل یا جایگزین و انجام پژوهشهای اصیل در خود کشور و همچنین وجود

اختصاص خواهد داد و مجموعه نظام و مردم پایه‌های یک جهش را برای برنامه سوم پی می‌ریزند. عرض کردم که این ضرورتها در جای جای برنامه دوم آمده لکن تحقق آنها نیاز به تدوینات قانونی و سپس آیین‌نامه‌ها و مراحل اجرایی دارد که باید به دور از روزمره‌گی و با قاطعیت در دستور کار مجلس و متعاقباً دولت قرار بگیرد. انشاءالله

مهندس ملایری: بی‌تردید این گفت و شنود مفصل، به عنوان بحثی جامع و به ویژه حاوی نقطه نظرات و دیدگاههای جنابعالی حول مبرم‌ترین مسایل کنونی جامعه انقلابی ما، سندی با ارزش تلقی و ماندگار خواهد گردید. از حوصله‌ای که به خرج دادید و فرصتی که مرحمت فرمودید مجدداً سپاسگزاری می‌کنیم و دیداری دیگر را آرزو می‌بریم. انشاءالله.

دارد. بنابراین یکی دیگر از محورهای اساسی فعالیتهای مجلس شورای اسلامی که متضمن تعالی کشور در افقی دورنگر هست، توجه به ابعاد مختلف علم و تکنولوژی و نظام تحقیقات در کشور می‌باشد. مخصوصاً لازم هست که ما مزیت‌های عمده‌مان را در امور پژوهش و آموزش مورد شناسایی قرار بدهیم و سمت‌گیریهامان را با توجه به آنها سامان بدهیم. مثلاً ما در زمینه دانش و تکنولوژی نفت و صنعت نفت باید بتوانیم بی بدیل بشویم، و امثال ذلک. در این راستا تدوین قوانین و مقررات لازم برای آموزش و جذب دانشمندان و جلوگیری از فرار مغزها قابل بررسی و توجه است.

مهندس ملایری: با تصویب قوانین در زمینه‌هایی که برشمردید و پیاده‌سازی آن در دولت، از نظر جنابعالی مشکلاتی نظیر تورم و فقرزدایی به سامان خواهد آمد؟...

آقای ناطق نوری: با اتخاذ این سیاستها، به همراه سیاستهای تکمیلی نظیر کارآمد سازی مدیریتتها در بخش اجرایی کشور و استقرار شدید نظام تشویق و تنبیه مبتنی بر عدل نه مبتنی بر رابطه و نظارت‌های جامع، مجموعه دولت را با ثبات و کار آمد می‌سازید. بدیهی است که در یک چنین شرایطی سرمایه‌گذاری بهتر شکل می‌گیرد و اشتغال و نهایتاً مهار تورم محقق خواهد شد. البته توجه دارید که تحقق این برنامه‌ها قاعدتاً طول یک برنامه کامل را به خود